گروهی از قبیلهٔ عُکْل یا عُرَینه آمدند و [آب و هوای] مدینه با آنان سازگار نبود

از انس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت است که گفت: گروهی از قبیلهٔ عُکْل یا عُرَینه آمدند و [آب و هوای] مدینه با آنان سازگار نبود. پس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم آنان را به نزد شتران شیرده فرستادند و دستور دادند که از ادرار و شیرشان بنوشند. آنان نیز رفتند. پس هنگامی که بهبود یافتند، چوپان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم را کشتند و شتران را به سرقت بردند. خبر در ابتدای روز رسید، پس [پیامبر] گروهی را در تعقیبشان فرستادند. هنگامی که روز بالا آمد، آنان را آوردند. پس ایشان دستور دادند که دست‌ها و پاهایشان قطع شود و چشمانشان [با میخ داغ] کور شود و در حره (منطقه‌ای سنگلاخی) رها شدند، در حالی که آب می‌خواستند و به آنان آبی داده نمی‌شد. ابوقلابه گفت: اینان دزدی کردند و کشتند و پس از ایمانشان کافر شدند و با خدا و رسولش جنگیدند.

[صحیح است] [بخاری و مسلم در روایت آن اتفاق دارند]

مردانی از دو قبیلهٔ عُکل و عُرَینه به عنوان مسلمان نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم آمدند. آنان دچار بیماری و دردی شدند که شکم‌هایشان بر اثر آن بزرگ شد و از اقامت در مدینه ناخشنود بودند، زیرا آب و هوا و خوراک آنجا با آنان سازگار نبود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم به آنان دستور دادند که نزد شترانِ صدقه بروند و از ادرار و شیرشان بنوشند. آنان نیز رفتند و پس از آنکه بهبود یافته، چاق شدند و رنگ [چهرهٔ] آنان بازگشت، چوپان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم را کشتند و شتران را به سرقت بردند. خبر در ابتدای روز رسید، پس [پیامبر] گروهی را در تعقیبشان فرستادند و آنان را یافتند. هنگامی که روز بالا آمد، آنان را به عنوان اسیر نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم آوردند. ایشان دستور به قطع دست‌ها و پاهایشان و کور کردن چشمانشان دادند، زیرا آنان همین کار را با چوپان کرده بودند. سپس در حره رها شدند، در حالی که آب می‌خواستند و به آنان آبی داده نمی‌شد، تا آنکه مردند. ابوقلابه [در توضیح شدت مجازات] می‌گوید: [این مجازات شدید برای آن بود که] آنان دزدی کردند، و کشتند، و پس از ایمانشان کافر شدند، و با خدا و رسولش جنگیدند.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/66205